

ایمانده قدرت

دکتر مهدی مطهری



سرشناسه	: مطهرنیا، مهدی، ۱۳۴۴ -
عنوان و نام پدیدآور	: آینده قدرت / به کوشش مهدی مطهرنیا.
مشخصات نشر	: تهران : دانش پرور ، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۴۴۶ص.
شابک	: 978-600-123-127-8
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: قدرت (علوم اجتماعی)
موضوع	: Power (Social sciences)
موضوع	: موازنه قدرت
موضوع	: Balance of power
موضوع	: علوم سیاسی -- تصمیم گیری
موضوع	: Political science-- Decision making
رده بندی کده	: JC۳۳۰/م۶۱۹ ۱۳۹۶
رده بندی دیویی	: ۳۰۳.۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۰۱۷۴



نام کتاب: آینده قدرت
 دکتر مهدی مطهرنیا
 ناشر: دانش پرور
 صفحه آرا و طراح جلد: رحیم کبیرصابر
 هماهنگی و تولید: جلال جلیوند
 لیتوگرافی: چاووش
 چاپ: هادی
 نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۶
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۲۳-۱۲۷-۸

قیمت: ۲۷۰۰۰ تومان

مراکز پخش: خیابان انقلاب اسلامی، خیابان ابوریحان، کوچه عنصری، پلاک ۲۶، طبقه ۱

تلفن: ۶۶۴۶۶۲۷۷-۶۶۹۵۲۶۲۷

خیابان انقلاب، مقابل دبیرخانه دانشگاه تهران، بازارچه کتاب، پلاک ۱۵

تلفن: ۶۶۴۱۳۵۳۹

ایمیل: daneshparvar222@yahoo.com

فهرست مطالب

۹

مقدمه

بهره نخست: قدرت در بستر تاریخ غرب..... ۱۷

الف - مقدمه..... ۱۹

ب - قدرت از نگاه نخبگان عصر باستان..... ۲۵

پ - قرون وسطی و قدرت از دیدگاه نخبگان این عصر..... ۳۸

د - رنسانس و قدرت از دیدگاه نخبگان عصر رنسانس..... ۴۷

ه - قدرت در نظر نخبگان عصر جدید..... ۵۹

قدرت در دوران پيشاپست مدرن و پست مدرن..... ۸۰

قدرت در عصر پيشاروی..... ۹۳

جمع‌بندی..... ۹۵

بهره دوم: تعاریف گوناگون و نظریه‌های مختلف در باب قدرت..... ۹۹

فصل اول: تعاریف گوناگون در باب قدرت..... ۱۰۱

برتراند راسل..... ۱۰۱

کارل مارکس..... ۱۰۴

ماکس وبر..... ۱۰۹

فصل دوم: نظریه‌های مختلف در باب قدرت..... ۱۱۳

بهره سوم: تبیین نوین از قدرت بر مبنای حرکت..... ۱۱۹

به جای مقدمه..... ۱۲۱

فصل اول: عناصر قدرت..... ۱۲۷

محرک..... ۱۲۷

متحرک..... ۱۳۰

توان حرکت..... ۱۳۶

بستر حرکت..... ۱۳۹

۱۴۲	هدف حرکت.....
۱۴۳	فصل دوم: مراحل تأثیر محرک بر متحرک.....
۱۴۶	محدوده نگرش نظرگاه‌های مختلف براساس تقسیم‌بندی مراحل سیر قدرت.....
۱۵۱	فصل سوم: خلاصه و نتیجه‌گیری.....
۱۵۹	فصل چهارم: تمایز میان مفهوم قدرت و مفاهیم مترادف.....
۱۶۲	الف) قدرت و نفوذ.....
۱۶۷	ب) قدرت و اقتدار (آمریت).....
۱۷۱	پ) قدرت و سلطه.....
۱۸۷	فصل پنجم: گردش سیاسی «بین‌نژوی» تعاریف مترادف با قدرت.....
۱۹۱	فصل ششم: انواع قدرت.....
۱۹۱	الف) قدرت مادی و قدرت معنوی.....
۱۹۲	ب) قدرت مشروع و قدرت غیرمشروع.....
۱۹۳	ج) قدرت منفی و قدرت مثبت.....
۱۹۴	د) قدرت بالقوه و قدرت بالفعل.....
۱۹۷	سخنی کوتاه در باب قدرت سیاسی.....
۲۰۱	محرک‌های سیاسی.....
۲۰۵	فصل هفتم: اندازه‌گیری قدرت.....
۲۰۵	الف) نگرش‌های موجود در باب اندازه‌گیری قدرت.....
۲۰۷	سنجه‌های مبتنی بر نظریه بازی.....
۲۰۸	سنجه‌های نیوتونی.....
۲۰۹	سنجه‌های اقتصادی.....
۲۱۷	ب) فرمولی نوین جهت اندازه‌گیری قدرت.....
۲۲۳	بهره چهارم: «قدرت» در روابط بین‌الملل.....
۲۲۵	مقدمه.....
۲۲۹	فصل اول: ریشه‌های فکری رئالیسم «مکتب قدرت» در روابط بین‌الملل.....
۲۳۴	ماکیاویل.....
۲۳۸	توماس هابز.....
۲۵۱	گئورگ ویلهلم فریدریش هگل.....
۲۵۹	«سه پایه»های هگلی یا روش دیالکتیک هگل.....

خانواده - جامعه مدنی.....	۲۷۵
دولت به مثابه تجسم اراده یزدان بر روی زمین.....	۲۸۰
هانس. جی. مورگنتا (۱۹۸۰-۱۹۰۴).....	۲۸۸
الف) سیستم چندجانبه در روابط بین الملل.....	۳۰۱
ب) سیستم دو قطبی در روابط بین الملل.....	۳۰۲
ج) سیستم امپراتوری در روابط بین الملل.....	۳۰۲
فصل دوم: حایه دیدگاه رئالیسم و ایده آلیسم در باب قدرت.....	۳۰۷
فصل سوم: ماهیت قدرت در روابط بین الملل.....	۳۳۵
فصل چهارم: بررسی تطبیقی در ماهیت قدرت در سیاست داخلی و روابط بین الملل.....	۳۴۷
۱. خانواده.....	۳۵۱
الف) شوهر.....	۳۵۲
ب) پدر.....	۳۵۲
۲. حکومت قانونی.....	۳۵۳
۳. حاکمیت.....	۳۵۵
نتیجه گیری.....	۳۶۱
بهره پنجم: آینده قدرت و قدرت آینده در گستره سیاست و نظام بین الملل.....	۳۶۵
مقدمه.....	۳۶۷
ذهن هلوتراپیک.....	۳۷۱
نظام هلوگرافیک.....	۳۷۴
قدرت هلوگرافیک.....	۳۸۵
پیشران ها.....	۳۹۶
S، اجتماعی.....	۳۹۶
T، تکنولوژی.....	۳۹۷
E، اقتصادی.....	۳۹۸
E، محیط زیست.....	۳۹۹
S، سیاسی.....	۴۰۰
V، ارزشی - فرهنگی.....	۴۰۱
عدم قطعیت.....	۴۰۲
عدم قطعیت ها.....	۴۰۳
بررسی نسبت تصمیمات با سناریوها.....	۴۳۲

۴۳۵	نتیجه‌گیری
۴۳۷	فهرست منابع
۴۳۷	الف) منابع فارسی
۴۴۳	ب) منابع انگلیسی

فهرست شکل‌ها

۱۳۴	شکل ۱: فواید اثر محرک بر متحرک
۱۴۵	شکل دو: سیر تکاملی قدرت و بزنگاه‌های کنش رژیم‌های گوناگون
۱۴۸	شکل سه: نظام‌های مبتنی بر انباشت قدرت
۱۴۹	شکل چهار: نظام‌های مبتنی بر توزیع قدرت
۲۱۵	شکل پنج: پهای قدرت
۳۷۵	شکل شش: هلوگرام
۳۷۶	شکل هفت: جهان هولوگرافیک / ما کل هستیم
۳۷۷	شکل هشت: مدل هولوگرافیکی برای طراحی
۴۰۶	شکل نه: مسیرهای هفتگانه‌ی قدرت در بستر تاریخ حیات اجتماعی بشر
۴۲۱	شکل ده: سیاهچاله

مقدمه

تبیین به معنای توضیح حکیمانه و تشریح علمی پدیده‌های طبیعی، ساختارهای سیاسی، ساختمان اجتماعات، گونه‌نگون بشری، از مهمترین و درعین حال مشکل‌ترین فعالیت‌های پژوهشی است. بیار عمیق‌تر مهم‌ترین مشکل پژوهش در علوم، بویژه علوم انسانی، عدم وجود تعاریف جامع و مانع از مفاهیم مورد استناد این علوم یا حداقل توافق همگانی بر صحت تعاریف را حد برای مفاهیم مذکور از سوی اندیشمندان صاحب رأی جهت ارائه مطالب می‌باشد.

پیل اندر خانه‌ای تاریک بود	عرضه را آورده بودندش هنود
آن یکی را کف به خرطوم افتاد	کف هم به ن ناودانستش نهاد
آن یکی را دست بر گوشش رسید	آن بر او چرخ بر باد یزن شد پدید
همچنین هریک به جز وی چون رسید	فهم آن می‌کند هر جا می‌تید
از نظر گه گفتشان به مختلف	آن یکی دالش لقب داد آن الف
در کف هر کس اگر شمعی بدی	اختلاف از گفتشان بیرون شدی

آنچه که در منطق به عنوان - تعریف لفظی - از آن یاد می‌گردد و به عنوان مرحله مقابل تعریف ماهوی و ارائه بحث و جدل، بر آن پافشاری گشته است، چیزی نیست. جز دست یافتن به تعاریف واحد از مفاهیم مورد بحث بر مبنای درک عقلانی از آن مفاهیم از سوی طرف‌های مباحثه کننده، در آن مورد مشخص، بنابراین در پژوهش، اولین گام و زیربنایی‌ترین آجر در ساختمان بنای مباحثه، تبیین و سپس تدوین مفاهیم

کلیدی آن علم یا گرایش علمی می‌باشد، چرا که با عدم دقت در این امر، امکان وقوع خطا و جدل بیهوده فزونی یافته، مباحث و پژوهش‌های مربوطه به مطالب بیهوده پرداخته و محقق هدف اصلی خویش را گم خواهد کرد.

به عبارت دیگر عدم دقت در تبیین مفاهیم به نتایج و راهبردهایی متزلزل منجر و موجب عینیت یافتن این بیت مشهور خواهد گشت که:

خشت ول چون نهذ معمار کج تا ثریا می‌رود دیوار کج

بنابراین تبیین به معنای تصریح حکیمانه و تشریح علمی پدیده‌های گوناگون، در پی تعاریف جامع، مانع و متنوع از مفاهیمی است که از سوی علوم مختلفه و گرایش‌های متفاوت این علوم مورد استفاده مستند قرار می‌گیرد (مطهرنیا، ۱۳۷۲).

از سوی دیگر، مفیدترین اقدام برای پیشرفت در علوم سیاسی و تربیت سیاسی - مدنی مردم تبیین و توضیح و تفسیر همه‌جانبه ماهیم فلسفه سیاسی مثل قدرت سیاسی، حاکمیت و دولت است. در این میان «قدرت» محور تئوری‌های سیاسی مشخص می‌باشد. این مفهوم نه تنها کلید درک نهادهای سیاسی، جنبش‌های سیاسی و علم سیاست است، بلکه به اعتقاد ما، «قدرت» مفهومی کلیدی برای فهم تمام هستی است.

چنانکه در مقام تعریف «علم سیاست» یا به بیان صحیح‌تر، «جامعه‌شناسی سیاسی»، تاکنون اندیشمندان به دو گروه تقسیم گشته‌اند. یک گروه جامعه‌شناسی سیاسی را «علم دولت» می‌داند و گروه دیگر آن را «علم قدرت» می‌شناسد. گروه نخست، بر این اعتقاد هستند که جامعه‌شناسی سیاسی، بخشی از جامعه‌شناسی است که دولت را مطالعه می‌نماید. کلمه «دولت» خود در اینجا برای تعیین مقوله ویژه‌ای از گروه‌بندی انسانی، از جوامع به کار می‌رود. زیرا در عمل دارای دو معنی است: (دولت - ملت) و (دولت - حکومت). دولت، به معنی دولت - ملت، جامعه ملی، یعنی نوعی جامعه را که در پایان قرون وسطی تولد یافت و امروزه به بهترین صورت آن تشکیل یافته، مشخص می‌کند.

تعریف جامعه‌شناسی سیاسی به مثابه علم دولت، قرارداد آن در یک طبقه از طبقه‌بندی‌های علوم اجتماعی است که بر پایه طبیعت جوامع مورد مطالعه مبتنی می‌باشد. جامعه‌شناسی سیاسی در برابر جامعه‌شناسی خانوادگی، جامعه‌شناسی گروه‌های ابتدایی، جامعه‌شناسی شهری و نظایر آن قرار می‌گیرد.^۱

بینش دوم دارای تعریفی متقن‌تر، جالب‌تر، و در عین حال مشهورتر و «اجرای‌تر» است، بینش دوم نه تنها علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی را به مثابه علم قدرت، حکومت اقتدار و فرماندهی در کلیه جوامع انسانی می‌داند، بلکه آن را به عنوان حکومت اقتدار و فرماندهی در جامعه ملی نیز می‌شناسد. این بینش به آنچه «لئون دوگی» نام آن را تمییز بیان «فرمان‌روایان» و «فرمانبرداران» نامیده، بسیار نزدیک است. دوگی چنین می‌اندیشید که مردم گروه انسانی از کوچک‌ترین آن گرفته تا بزرگ‌ترین و از گذرترین تا ثابت‌ترین آدم‌ها، هستند کسانی که فرمان می‌رانند و کسانی که اطاعت می‌کنند، کسانی که دست‌بر می‌دهند و کسانی که به آن گردن می‌نهند، کسانی که تصمیم می‌گیرند و کسانی که تصمیم دربارہ آنان گرفته می‌شود.

گفتن اینکه «سیاست» یا «جامعه‌شناسی سیاسی» «علم قدرت» است، کافی نیست، بلکه شایسته است برای درک بیشتر موضوع هم بسیار وسیع و مبهم «قدرت» را با پژوهشی دقیق‌تر مورد بررسی قرار دهیم، آنچه که «دوگی» مطرح می‌سازد، محور ارتباطی افراد و جوامع با یکدیگر است، یعنی سلطه و کنترل رئیس بر مرئوس و پادشاه بر رعیت و یا به قول هومر، راهبر بر رهرو، یا به عبارتی تعریفی نه چندان مستحکم است از «قدرت» در «سیاست». در تمام این اشکال ارتباطی، قدرت وجود دارد؛ ولی بیان این ارتباطات تعریف جامع و پسندیده‌ای برای «قدرت» نیست، بلکه به نوعی، تعریفی بی‌زینت از حاکمیت است، که طوق مشروعیت، بر گردن نیاویخته است.

۱. برای مطالعه بیشتر به مقدمه جامعه‌شناسی سیاسی اثر "موریس دوورژه" مراجعه فرمایید.

پس باید در پی یافتن تعریفی از قدرت بود که اولاً در عین جامع و مانع بودن بتواند زیربنایی برای تعریف قدرت سیاسی و تفکیک آن از صور دیگر قدرت باشد و ثانياً آنقدر عمق و وسعت داشته باشد که بتواند پایه و زیربنای تفکیک تمامی صور قدرت قرار گیرد. بدین جهت است که به قول «میشل هالکیت» در حال حاضر پدیده قدرت ذهن تئوری پردازان حقوق عمومی و دانشمندان سیاسی را به خود مشغول داشته است، و پیچیدگی و ابهام عجین شده با اهمیت موضوع است که موجب می‌شود، فرانسوا پوریکو تأکید ورنه که «قدرت در شکل سیاسی‌اش مهیب‌ترین معما را مطرح می‌کند».

«اصطلاح قدرت» به در بیان عامیانه و عادی و چه در بیان علمی و تحقیقاتی به معانی بسیار گوناگون به کار می‌رود، در حالیکه گاهی از یک معنای آن نیز، برداشت‌های متفاوتی حاصل می‌شود. این نااهلی خاص افاده گشته است. اهل قلم از قدرت فرهنگی، جامعه‌شناسی از قدرت اجتماعی، «ایمپدانت» از قدرت متجلی در طبیعت، فیلسوف از قدرت حاکم بر انسان و جهان، اقتصاددانان از قدرت اقتصادی، قانون‌شناس از قدرت قانون و مجریان آن، روانشناس از قدرت انسان بر نفس خویش و غیره سخن می‌گویند، کمتر کسی است که در مکالمات روزمره کلمه قدرت را بکار نگیرد. رهبران، رؤسای جمهوری، نخست‌وزیران، نمایندگان مجلس، از قدرت به حد کافی بهره دارند، شرکت‌های سهامی، سیاستمداران و اتحادیه‌ها، کارگری دارای قدرت هستند. از امیر کبیر، بیسمارک، نادرشاه، استالین، هیتلر، چرچیل ... به عنوان مردان قدرتمند یاد می‌کنند (مطهرنیا، ۱۳۶۸: ۴-۲).

«قدرت، نفوذ و اقتدار» واژه‌هایی هستند که در دنیای سیاست زیاد شنیده می‌شود لکن استفاده از آن منحصر به این قلمرو نیست. در تمام سطوح زندگی اجتماعی ما با عامل قدرت سرو کار داریم: قدرت متکی به قانون، قدرت متکی به زور، قدرت تنبیه کردن، قدرت بخشیدن، قدرت دوست داشتن، قدرت اعتراف به گناه.

مناسبات فرمانده با زیردست کارفرما با کارگر، ارباب با رعیت، حکومت با مردم نیز نوعی رابطه قدرت است: قدرت سازمانی، قدرت اقناعی و...

در سطح بین‌المللی نیز قدرت و نفوذ و اقتدار بطرق دیگر مطرح است. مثلاً مقامی که اختیار اعلان جنگ یا صلح را دارد، دارای قدرت است، و یا دولتی که دارای تکنولوژی با سلاح منحصر به فردی است نیز دارای نوعی قدرت می‌باشد؛ قدرت تهاجمی، تدافعی، قدرت بازدارندگی....

با وجود سادگی ظاهری، عموماً درک یکسان و هماهنگی از واژه‌های قدرت بین افراد وجود ندارد. برداشت یک سیاستمدار از قدرت با استنباط یک حقوقدان از این واژه متفاوت است. تلقی قدرت نزد مردم عامه با تعبیر آن نزدیک عالم دانش استراتژی تفاوت ناچسب دارد (کاظمی، ۱۳۶۹: ۴).

همین پیچیدگی و ابهام در مفهوم قدرت و موضوعیت وسیع آن است که موجب ایجاد شمایی مرموز و در این حالت جذاب برای بسیاری از اندیشمندان گشته، افکار بسیاری را به تنش واداشته است، برادتر قدرت چیست؟ آیا می‌توان تعریفی جامع و بنیادین برای آن بیان کرد تا با دستیابی به آن توانیم شاخه‌های مختلف قدرت را تفکیک نماییم؟ آیا قدرت تنها در برخورد آگاهانه انسان‌ها آنگاه که سلطه و کنترل اعمال و رفتار یکی توسط دیگری منظور است معنی می‌یابد؟ آیا در اصل، قدرت تنها در نزد انسان یافت می‌گردد؟ یا به عبارت صحیح‌تر، یا قدرت تنها ابزاری مختص انسان است و قائم به موجودیت آدمی است؟ آیا قدرت را می‌توان تنها در مناسبات متقابل میان انسان‌ها و در راه پریچ و خم ارتباطات ملل مختلف مشاهده و محصور نمود؟ عناصر قدرت چیست؟

منشاء قدرت از کجاست؟ و منابع آن چه می‌باشد؟ چه تفاوتی میان قدرت، نفوذ، اقتدار و سلطه وجود دارد؟ و ارتباط میان این مفاهیم - در صورت وجود افتراق میان این واژه‌ها - چگونه است؟ و ده‌ها سؤال دیگر، همچون آیا قدرت محمول است یا حامل؟ آیا اگر تعریفی واحد برای قدرت در تمام علوم موجود باشد می‌توان از ایدئولوژی، سیاست، اقتصاد و امثالهم به عنوان «عوامل» یا «عناصر» قدرت یاد نمود؟ قدرت سیاسی، قدرت اقتصادی، قدرت نظامی و غیره می‌توانند معنایی منفک از تعریف «قدرت» داشته باشد؟

قدرت سیاسی چه مکانیسمی دارا می‌باشد و چه تعریفی برای آن می‌توان - بر مبنای معرفه «قدرت» بیان نمود؟ آینده قدرت در لایه‌های زیرین و زیرین آن از چه دگرگونی‌هایی برخوردار خواهد بود؟ سناریوها - فرپندارها - پیش‌اروی این تغییرات در لایه‌های مفهومی، و سطوح هندسه قدرت، چه تصویرهای محتمل، ممکن، و مطلوبی را دارا خواهند بود؟...

این متن بیانگر باز نویسی از یک کتاب قدیمی تحت عنوان "تیینی نوین بر مفهوم قدرت در سیاست و روابط بین الملل" است. فصول مربوط به "آینده قدرت" به آن اضافه شده است. اکنون رودروی دیدگان شما عزیزان است. امید دارم مورد توجه قرار گیرد. این نگارش خالی از نقد نیست؛ اما نهمت آن دارم که از دریچه نگرش ما و زاویه‌های بدگون‌نگرانتان مورد توجه قرار گیرد.

از دوستان عزیزم در انتشارات دانش پرور برای تلاش‌های صمیمانه‌شان بسی سپاسگزارم. بر خود لازم می‌دانم به از اسناد و گواهی که دانه‌ی اندیشه‌ورزی را در باب قدرت در ذهنم کاشت - حسین بشیریه - کمال تشکر را داشته باشم. یادآوری یاد او برایم بسی ارزنده است.

مهدی مطهرنیا^۱

تهران

کراچی - شهر زیبا

۱. عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم، و ریس پژوهشکده علوم اجتماعی و انقلاب دانشگاه آزاد اسلامی